

به نام خداوند جان و خرد فراخوان اپوزیسیون ایران برای تشکیل شورای ائتلاف

ملت بزرگ ایران!
با درود فراوان،

لازم می دانم در شروع سخن ، سال نو را از سوی خودم و همه مبارزان راه آزادی ، به ویژه جوانان ، دانشجویان ، روزنامه نگاران و کوشندگان سیاسی دربند و زندانی به شما ملت بزرگ ایران شادباش بگویم. شادباش دوم به دلیل پیروزیهای سیاسی شما ملت در سال ۱۳۸۱ و در میدان مبارزه با رژیم سرکوبگر و ضد بشری جمهوری اسلامی است. سالی که گذشت پیکارگران راه آزادی گامهای مهمی به سوی آزادی و رهایی برداشتند. در ابتدای سال ۱۳۸۱ و در روز ۱۱ اردیبهشت کارگران دست به تظاهرات اعتراضی زده و با طرح شعارهایی چون فلسطین را رها کن، فکری به حال ما کن! حکومت عدل علی ، این همه بی عدالتی! دانشجو، معلم، کارگر، اتحاد، اتحاد! مرگ بر طالبان، چه در کابل، چه تهران! شعور سیاسی و میزان نارضایتی خود را از طالبان حاکم بر ایران به نمایش گذاشتند.

همچنین در روز ۱۲ اردیبهشت بار دیگر ، فرهنگیان ، معلمان و دانش آموزان به عنوان یک لایه آگاه و فرهنگ ساز اجتماعی و در ادامه جنبش فرهنگیان که از سال ۱۳۸۰ شروع شده بود ، دست به اعتراض زده و پایه های رژیم را به لرزه در آوردند و همین امر موجب شد تا رژیم سرکوبگر دست به سرکوب تظاهرات فرهنگیان بزند. سرکوب اعتراضات مساومت آموز کارگران و معلمان بیش از هر چیز غیر مردمی بودن و ضد بشری بودن رژیم را به نمایش گذاشت و مانع از این نشد تا جنبش آزادیخواهی ملت ایران دچار رکود شود. خیزش عمومی آزادیخواهان از زن و مرد ، پیر و جوان ، دانشجو و غیر دانشجو و در همه شهرهای بزرگ به ویژه در تهران و در سالگرد حماسه ۱۸ تیر ، موبد ادعای فوق است.

۱۸ تیر سال ۸۱ به لحاظ گستردگی اعتراضات مساومت آموز خیابانی یادآور خاطره جنبش دانشجویی در ۱۸ تیر سال ۷۸ بوده و به همین دلیل رژیم مجبور شد از همه توان تبلیغی ، امنیتی و انتظامی و حتی نظامی خود برای پیشگیری ، مهار و سرکوب این جنبش استفاده کند. این جانب اگر چهره دورانی حساس مثل ۱۸ تیر ۷۸ ، ۷۹ ، ۸۰ در سلولهای انفرادی رژیم به سر برده و توفیق حضور در بین دانشجویان و مردم را نداشتم و در ۱۸ تیر ۸۱ در همان لحظات اولیه تظاهرات خیابانی مردم ، توسط عناصر امنیتی سپاه پاسدار بازداشت ، ضرب و شتمو برای ماهها در سلولهای انفرادی رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی افتادم ، اما از مجموعه اخبار و گزارش های مستند دریافتم که ۱۸ تیر به عنوان یک روز تاریخی و مهم برای شروع رهایی ملت ایران درآمده که امید است ۱۸ تیر ۸۲ روزی باشد که رهایی همیشگی ملت ایران از ستم و فقر و فساد و تبعیض و عقب ماندگی تضمین شود.

اول آذر ماه سال ۸۱ سالروز شهادت دو سرو بلند آزادی و رهایی ، داریوش و پروانه فروهر به دست دژخیمان رژیم ، فرصت مجددی بود تا بار دیگر آزادیخواهان گرد هم آیند و با سر دادن سرود رهایی و سرود جاودانه ای ایران! لرزه بر اندام فاشیست های حاکم انداخته و یک بار دیگر شعبان بی مخ های قمه کش و زنجیر به دست جمهوری اسلامی را در انظار عمومی به تماشای گذارند! زهی بی شرمی که کسانی روزی سخن از قلم ، بیان ، آزادی ، عدالت ، معنویت ، فرهنگ و آگاهی به میان می آوردند ، اینک که حاکم مطلق شده اند جز سلول ، شکنجه ، دست بند ، قمه ، چاقو ، سرنیزه ، تفنگ ، گروه فشار ، زنجیر ، سنگ سار ، قطع دست و پا ، اعدام و رعب و وحشت و تهدید سخن آشنا و منطق دیگری ندارند.

حکم اعدام برای یک سخنران ، از سوی تفتیش گران عقاید و حکومت گران بی منطق وزورپرستان جاهل جنبش دانشجویی و جنبش جریان سوم را به حرکت در آورد و یک بار دیگر این حقیقت را آشکار ساخت که جنبش دانشجویی همچنان در نوک پیکان جنبش آگاهانه و ضد استبدادی مردم ایران است.

روز ۱۶ آذر سالگرد شهادت سه آذر اهورایی به دست دژخیمان رژیم شاه ، نقطه اوج مبارزات جنبش دانشجویی علیه جهل و جمود و جاه طلبی طالبان حاکم بر ایران بود. به راستی جنبش دانشجویی در سال ۸۱ آنچنان وحشتی بر ارکان رژیم انداخت که برخی سران رژیم که روزی همه افتخار خود را از ارتباط با دانشجو و دانشگاه و همراهی با جنبش دانشجویی ایران دانسته و قدرت غیر مشروع امروزی خود را مرهون جنبش دانشجویی سالهای پیش از انقلاب به ویژه در سالهای ۵۶ و ۵۷ می باشند ، به یک باره زبان به هرزه گشوده و هر آنچه در شان خود و پیروان دشمن به دست و قداره بندشان بود ، نثار دانشجو ، دانشگاه و جنبش دانشجویی نمودند.

روز ۹ اسفند و تحریم عمومی انتخابات شوراها از سوی عموم شهروندان ایرانی یک پیروزی بزرگ تاریخی برای ملت ایران و شکست خفت بار برای هر دو جناح رژیم است. این پیروزی بهانه‌آلوده ای شکوهمند است که جا دارد از آن به عنوان فتح بزرگ جریان سوم و شکست آشکار رژیم استبدادی جمهوری اسلامی و دیکتاتور نام ببریم. به راستی که ملت ایران با تحریم عمومی به ویژه در شهرهای تهران، اصفهان، تبریز، شیراز، مشهد، اهواز، قم و سایر مراکز استانها شرکت خود در جنبش آزادیخواهی جریان سوم را به خوبی به نمایش گذاشت. افسوس از خلا یک شورای انتلافی که بتواند در غیاب رهبران زندانی جنبش جریان سوم، پیام و خواسته های ملت رشید ایران را به گوش جهانیان رسانده و از مبارزات و مبارزین و مطالبات به حق ملت ایران برای برگزاری رفراندوم ساختارشکن زیر نظر سازمان ملل، حمایت نماید. به راستی ۹ اسفند ۸۱ روز پیروزی ملت ایران بر رژیم ستم، جهل، جاه طلبی، فقر و فساد و تباهی است. در این روز، ملت در دام تبلیغات جناح های حکومتی نیفتاد و به خوبی نشان داد رژیم جمهوری اسلامی فاقد هرگونه مشروعیت قانونی و مردمی است. امید است مجامع جهانی و کشورهای اروپایی که روزی دم از دموکراسی و رای مردم می زدند، پیام مردم ایران را در ۹ اسفند ۱۳۸۱ دریافت کنند.

۴شنبه سوری، مناسبت دیگری بود تا ملت رشید ایران بر خلاف تبلیغات گسترده رژیم که سعی می کند با سوء استفاده از مذهب و احساسات دینی مردم و در یک عوام فریبی آشکار، اهداف سیاسی و دنیایی خود را تداوم بخشد، به خیابانها ریخته و با برگزاری یک جشن پر شکوه ملی، تنفر و اعتراض خود را علیه رژیم و ایدئولوژی حاکم را هویدا نماید.

در یک جمع بندی کلی، باید بر این نکته انگشت گذاشت ملت ایران به لحاظ شعور سیاسی، شرکت در مبارزات و طرح مطالبات سیاسی و اقتصادی خود، از اپوزیسیون که دارای امکانات مالی، تبلیغی و سیاسی فراوان نیز می باشد، فرسنگ ها جلوتر افتاده و آنها هنوز نتوانسته اند، انجمن یا شورایی برای پشتیبانی از مبارزات ملت ایران را تشکیل دهند.

مبارزان و آزادیخواهان در شرایطی با یک رژیم طالبانی-فاشیستی و تا دندان مسلح در جنگ تمام عیار هستند که از کمترین حمایت سیاسی، حقوقی، تبلیغی و مالی برخوردار نمی باشند.

واقعیت این است که طالبان حاکم بر ایران تحت هیچ شرایط باندرز و هشدار و سخنرانی و امثال آن حاضر به انتقال آرام قدرت نخواهند شد. طالبان حاکم بر ایران مایل هستند همان راهی را بروند که طالبان حاکم بر افغانستان طی نموده است یا ایران را به ورطه ای بکشانند که حزب بعث و دیکتاتور عراق، مردم و کشور عراق را کشتاید.

به بیانی دیگر منطق جناح فاشیستی و طالبانی حاکم بر ایران این است که ایرانی که آنان بر آن حاکم نباشند، باید ایرانی ویران و جنگ زده باشد. این منطق خشونت گرایان قدرت پرست برای کسانی قابل لمس و درک است که از نزدیک طعم خشونت، جهل، جهالت، مطلق اندیشی و قدرت پرستی این جماعت را چشیده باشند. دیکتاتور با تکیه بر نیروی نظامی، انتظامی، امنیتی و تبلیغی و منابع مهم ثروت ملی، در نظر دارد ایران را وارد جنگ با امریکا کند تا به این وسیله آزادی و رهایی و رفاه و امنیت را در کام ملت ایران تلخ نماید.

جناح اصلاح طلب حاکمیت نیز از دوشکل اساسی رنج می برد. از یک سو فقدان یک استراتژی راهگشا، همه جانبه و مردمی و از سویی ضعف عملی این جناح برای پیشبرد شعارهای نه چندان دمکراتیک و ملی خود، واقعیتی است که در ۵ سال گذشته بخوبی آشکار شده است. به همین دلیل ملت از این جناح نیز مایوس گشته و بی اعتمادی عمومی نسبت به رژیم امری است که با معجزه نیز قابل بازسازی نمی باشد. به همین دلیل جناح اصلاح طلب رژیم به دو جریان تقسیم شده است. بخشی از آن برای حفظ قدرت به رفاقت و رقابت با جناح اقتدارگرا پرداخته و بخش دیگر آن به سوی جریان سوم ریزش نموده و دریافت است تنها راه مناسب اصلاحات بنیادین و تحولات دموکراتیک، تن دادن به یک رفراندوم ساختارشکن است. جناح ارتدوکسی اصلاح طلبان به خوبی دریافت است با تصویب لوایحی چون اختیارات رئیس جمهور حتی اگر از سوی شورای نگهبان و تو نشود، نمی توانند حساسیتی به نفع اصلاح طلبان در مردم برانگیزد. به همین دلیل صرفا باید برای رهایی کامل ملت و پیشگیری از جنگ و خشونت، برای رسیدن به رفراندوم، به ارائه راههای عملی پرداخت. دوران شعار، افشاگری و سخنرانی رو به پایان است. اینک زمان ارائه برنامه ها و طرح های عملی به قصد وادار کردن رژیم برای تن دادن به رفراندوم است. ضمن اینکه برنامه های عملی موجب خواهد شد تا بخش وسیع تری از مردم به آینده خود امیدوار شده و در برنامه های مبارزاتی شرکت گسترده تر نمایند. بر همین اساس جبهه دمکراتیک ایران از یک سو تشکیل شورای انتلافی برای حمایت از مبارزات ملت ایران را پیشنهاد می نماید که جزئیات تشکیل این شورای در بیانیه های بعدی تقدیم ملت بزرگ ایران خواهد شد.

و از سوی دیگر پیشنهاد می شود، همه شخصیتها، جناح ها، احزاب و گروهها و رسانه هایی که خواهان تحمیل رفراندوم به رژیم هستند از مردم دعوت کنند تا در اولین گام گسترده و عملی روز ۱۸ تیر امسال و در

ساعت ۷ بعد از ظهر به صورت مسالمت آمیز در خیابانها و میدانی مرکزی و دانشگاههای سراسر کشور دست به تظاهرات زده و اعلام کنند که خواهان برگزاری رفراندوم جهت تعیین حکومت مورد نظر خود می باشند.

شورای ائتلافی می تواند ، همه امکانات مالی ، تبلیغی ، سیاسی ، و حقوقی را در پشتیبانی از مبارزات ملت ایران بسیج کرده و به عنوان تنها نماینده قانونی ملت ایران در مجامع بین المللی حاضر شود. این شورا در جایگاه رهبری مبارزات همه جانبه ملت ایران ، الگوی مناسبی برای دولت موقت آینده برای انتقال قدرت تا برگزاری رفراندوم و تهیه قانون اساسی و تشکیل نهادهای قانونی و دموکراتیک خواهد بود.

تشکیل چنین شورایی تنها بر اساس محورهای قابل پذیرش از سوی همه جریانهای مبارز و با حضور نمایندگان همه افکار و سلیقه ها و با کوشندگی شخصیت های بی طرف خواهد بود ، شخصیت هایی که در بین طرفداران هر نوع ساختار سیاسی دموکراتیک به بی طرفی شناخته شده باشند.

جبهه دموکراتیک ایران از هر شورایی با ترکیبی از تمام افکار و سلايق و در بر گیرنده شخصیت ها و جناح ها و احزاب و گروهها و قومیت های گوناگون ایرانی حمایت خواهد کرد و تنها راه برون رفت از این آشفتگی و اختلافات و پراکندگی را در تشکیل چنین شورایی می داند. امید است شخصیت های سیاسی مبارز که بی طرفی و دلسوزی آنان برای همه جناح های آزادیخواه به اثبات رسیده و پیرامون آنان ، حساسیت های زیادی در بین اپوزیسیون وجود ندارد ، دست به کار شده و از تمامی گرایش ها برای تشکیل این شورا دعوت نمایند. ضرورت دارد در ترکیب این شورا نماینده همه شخصیت ها و گرایش ها حضور داشته باشند. پرهیز از اختلافات و طرح مسائل جزئی یا اختلافات فکری و یا حتی تاریخی و نیز اولویت به مبارزه تاریخی ملت ایران و حمایت از مبارزین و جنبش جریان سوم از اولویت های اصلی این شورا خواهد بود. همچنین شورای ائتلافی می تواند در مجامع بین المللی از خواسته ها و مطالبات ملت ایران دفاع کرده و حمایت های خارجی را به نفع مبارزات ملت ایران بسیج نماید.

این شورا در مراحل مختلف مبارزه تا رهایی و برگزاری رفراندوم و رهبری مبارزات در تمامی مراحل نقش اصلی را ایفا خواهد کرد.

بدیهی است به دلیل ضرورت تداوم مبارزه و حمایت از مبارزین در شرایط خفقان و سرکوب ، چنانچه گروههای مختلف برای تشکیل شورای ائتلافی ، راه گذشته را پیموده و به طرح اختلافات جزئی و سلیقه ای و سیاسی مبادرت ورزند ، جبهه دموکراتیک ایران از کسانی که حاضر به انجمن در یک شورای ائتلافی به قصد حمایت از مبارزات ملت ایران باشند حمایت نموده و از مردم و گروههای آزادیخواه دعوت خواهد کرد تا از شورا پشتیبانی نمایند.

همچنین بسیج امکانات تبلیغی ، اینترنتی و رادیو تلویزیونی در جهت تشکیل این شورا و پرداختن به راهکارهای عملی مبارزه تا رسیدن به یک رفراندوم از ضرورت های تاریخی مبارزه به قصد بسیج توده ها و تقویت جنبش های اجتماعی است. یکی از شگردهای رژیم این است که آزادیخواهان را با طرح مسائل جزئی و فرعی سرگرم نموده و عملاً انرژی آنان که باید در رهبری ، بسیج ، حمایت و تقویت جنبش آزادیخواهی قرار بگیرد را هدر دهد. چه کسی است که نداند اگر همه امکانات فکری ، سیاسی ، مالی و تبلیغی اپوزیسیون در داخل و خارج کشور و حمایت از جنبش آزادیخواهی ملت ایران بسیج شود ، سال ۸۲ سال آزادی و رهایی خواهد بود. رژیم تلاش می کند با سرکوب مبارزات آزادیخواهانه ملت ایران و اتلاف انرژی اپوزیسیون به دنیا چنین وانمود کند که بیشتر از دوره برای ایران باقی نمانده است ؛ با تداوم حکومت طالبانی و دیکتاتوری در ایران و یا جنگ و کشتار و خونریزی و برادر کشی . اما جریان سوم و آزادیخواهان با گسترش مبارزات رهایی بخش و بسیج همه امکانات برای وادار کردن رژیم به تن دادن به انتقال آرام قدرت و برگزاری يك رفراندوم ساختار شکن ، عملاً به دنیا اعلام خواهند کرد توان این را دارند که در یک انقلاب آرام و البته دموکراتیک ، سرکوبگران را از قدرت به زیر کشیده و یک حکومت دموکراتیک در کشور برقرار سازند.

حکومتی که در آن دین از دولت جداست ، اعلامیه جهانی حقوق بشر به رسمیت شناخته خواهد شد ، تساوی حقوق زن و مرد برقرار میشود و قانون و دوکراسی را تضمین خواهد کرد. حکومتی که در سیاست خارجی با تمامی دولتها و ملتها بر اساس منافع ملی خود رابطه دولتی برقرار می کند و با تروریسم به مبارزه بر می خیزد و راه صلح را انتخاب خواهد نمود.

اینک آزادیخواهان توان این را دارند که با تشکیل شورای ائتلافی ، مردم ایران را به آینده امیدوار ساخته و آلترناتیو اصلی برای حکومت آینده را معرفی نمایند. در غیر اینصورت ، مردم به ستوه آمده از ظلم رژیم و از فقر و فساد و تباهی و ناامنی به دامن بیگانگان پناه برده و از آنان خواهند خواست که همچون افغانستان و عراق در ایران نیز دخالت نظامی کرده و مردم را آزاد نمایند. رسیدن به آزادی به بهای پرداخت هزینه های سنگین ، گناهی است که رژیم سرکوبگر و بخشی از اپوزیسیون غیر مسنول می بایست پاسخگوی آن باشند. امید است همه گروههای آزادیخواه ، اعم از اصلاح طلبان غیر وابسته ، ملی مذهبی ، مشروطه خواه ، دموکرات ، سوسیالیست ، و روشنفکران و همه لایه های اجتماعی و جنبش های فعال اجتماعی ، با متحد کردن صفوف خود و گسترش مبارزات اجتماعی ، امید برای آزادی و رهایی و عدالت از راه یک انقلاب آرام و

دمکراتیک را در درون تک تک شهروندان ایرانی به تنگ آمده از ظلم و بی عدالتی تقویت نماید. این آرمان و خواست به حق همه مبارزان داخل کشور به ویژه زندانیان سیاسی و دانشجویان دربنداست. به امید آن روز.

نجیر استبداد

—

—

حشمت الله طبرزدی

دبیر کل جبهه دمکراتیک ایران (IDF)

tabarzadi@yahoo.com

jebhehdemokratikeiran@yahoo.com